



رسانه، هویت و قدرت نرم در رقابت‌های منطقه‌ای ترکیه و عربستان با ایران

محمدعلی صنوبری، ابراهیم متقی، مریم اسماعیلی فرد^۳

۳۴

چکیده

رسانه نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در رقابت‌های هویتی و ژئوپلیتیکی بازیگران رقیب محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل دارد. نقش‌یابی رسانه در فضای سیاست بین‌الملل در موج سوم انقلاب تکنولوژیک به گونه قابل توجهی ارتقا پیدا کرده است. مؤلفه‌های رسانه‌ای و کنش ارتباطی نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌بندی‌های روابط سیاسی و راهبردی کشورها پیدا کرده‌اند. موج سوم انقلاب تکنولوژیک را رسانه شکل داده است. بخش قابل توجهی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیکی ایران، ترکیه و عربستان در عصر موجود، ماهیت رسانه‌ای و ارتباطی پیدا کرده است. قدرت رسانه در قرن ۲۱ به گونه‌ای افزایش پیدا کرده که سطح رقابت بازیگران را از حوزه سخت‌افزاری به عرصه‌های نرم‌افزاری ارتقا داده است. موضوع اصلی رقابت بین‌المللی، کنترل ذهن و افکار عمومی شهروندان کشورهای رقیب می‌باشد. پرسش اصلی مقاله آن است که «ابزارهای رسانه‌ای، هویت و قدرت نرم ایران، ترکیه و عربستان چگونه بر رقابت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود؟» فرضیه مقاله به این موضوع اشاره دارد که «ابزارهای رسانه‌ای نقش مؤثری در رقابت‌های ژئوپلیتیکی امنیتی و راهبردی کشورهای ترکیه و عربستان با ایران به جا گذاشته است. این امر از طریق توسعه فضای مجازی و شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای حاصل می‌شود. در تنظیم مقاله از «رهیافت جامعه شبکه‌ای» و «انتقال هنجاری» بهره گرفته می‌شود. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در بازتولید چالش‌های رقابتی ترکیه و عربستان با ایران محسوب می‌شود. روش‌شناسی مقاله بر اساس «تحلیل داده‌ها» و «تحلیل محتوا» انجام می‌شود. هدف آن است که سازوکارهای کنش رسانه‌ای و ارتباطی عربستان و ترکیه در جنگ نرم منطقه‌ای و در روابط متقابل ایران با کشورهای منطقه‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رسانه، هویت، قدرت نرم، جامعه شبکه‌ای، شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای.

دوره ۹، شماره ۳، پیاپی ۳۴

پاییز ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۲/۲۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۴/۱۱

صص: ۳۱۱-۲۸۷

شابا چاپ: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

emottaghi@ut.ac.ir

۲. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

رقابت‌های رسانه‌ای و ارتباطی در موج سوم انقلاب تکنولوژیک، نقش مؤثری در رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی کشورها به جا گذاشته است. هر یک از واحدهای سیاسی و کشورها در فضای رقابت‌های پر دامنه منطقه‌ای عموماً تلاش می‌کنند تا از طریق تولید ادبیات سیاسی و مفاهیم هنجاری، محدودیت‌هایی را علیه بازیگر رقیب به وجود آورند. هر یک از بازیگران عموماً تلاش دارند تا موقعیت دیگری را از طریق تولید «ادبیات زرد» و «هنجارهای تعارضی» در وضعیت تزلزل و شکاف راهبردی قرار دهند.

ترکیه و عربستان به عنوان دو بازیگر منطقه‌ای در حوزه جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. هر یک از دو بازیگر یاد شده دارای انگاره‌های کاملاً متفاوتی با سیاست امنیتی ایران بوده و بر این اساس تلاش می‌کنند تا محدودیت‌های قدرت و امنیت برای ایران به وجود آورند. قابلیت هر یک از کشورهای یاد شده برای تولید قالب‌های هنجاری اثربخش بر سیاست منطقه‌ای و امنیتی ایران به گونه تدریجی افزایش یافته است.

محور اصلی مقاله، بررسی نقش ابزارهای ارتباطی و رسانه‌های تصویری و نوشتاری عربستان و ترکیه در ارتباط با موضوعات فرهنگی، اجتماعی و راهبردی ایران است. توضیح آنکه عربستان و ترکیه به دلیل نقش سیاسی و اجتماعی که در محیط منطقه‌ای ایفا می‌کنند، در صدد هستند تا تغییرات بنیادین در قالب‌های مفهومی و ادراکی جامعه ایرانی به وجود آورند. هرگاه تغییرات هنجاری به وجود آید، زمینه برای تغییر در عادت‌واره هر کشور به وجود می‌آید.

مفهوم عادت‌واره اولین بار توسط «بوردیو» ارائه شد. بوردیو در صدد بود تا شکل خاصی از اندیشه سیاسی و فرهنگ عامی را در فضای رسانه‌ای و انتقال فرهنگی مورد بررسی قرار دهد. بوردیو همچنین به قالب‌های فرهنگ پیشین و اندیشه هر کشوری توجه داشته و آن را محور اصلی کنش گروه‌های شهروندی می‌داند. تغییر در «عادت‌واره هر جامعه» تأثیر خود را بر اولویت‌ها و هنجارهای سیاسی آن کشور به جا می‌گذارد.

انگاره‌های متفاوت ذهنی می‌تواند تأثیر خود را در الگوی کنش رقابتی بازیگران به جا گذارد. نقش‌یابی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای، شکل خاصی از رقابت امنیتی با رویکرد هویتی، رسانه‌ای و از طریق ابزارهای ارتباطی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. در چنین شرایطی ایران ناچار خواهد بود تا

زمینه بازدارندگی ژئوپلیتیکی را به موازات بازدارندگی رسانه‌ای در دستور کار قرار دهد. در عصر موجود، رسانه، هویت و ژئوپلیتیک عناصر درهم‌تنیده و مرتبط با یکدیگر هستند. ایران و بسیاری دیگر از کشورها تلاش دارند تا اهداف سیاسی و راهبردی خود را از طریق سازوکارهای رسانه‌ای، ابزارهای ارتباطی و قالب‌های هویتی پیگیری کنند. ایران، ترکیه و عربستان به عنوان سه کشور مؤثر سیاست منطقه‌ای جنوب غربی آسیا و خاورمیانه محسوب می‌شوند. هر یک از سه بازیگر یاد شده به لحاظ تاریخی، اجتماعی، هویتی و راهبردی دارای انگاره‌های کاملاً متفاوتی با یکدیگر می‌باشند.

کشورهای منطقه‌ای رقیب ایران به ویژه عربستان و ترکیه از یکسو تمایلی به رویارویی نظامی و راهبردی با ایران ندارند. از سوی دیگر، تمامی بازیگران به این موضوع واقف هستند که هر یک از کشورها بخشی از کنش سیاسی و رقابتی خود را در فضای رسانه‌ای و ابزارهای ارتباط جمعی شکل می‌دهند. در نتیجه چنین شرایطی، تمامی کشورها نشانه‌هایی از رقابت هنجاری و ژئوپلیتیکی را از طریق ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی پیگیری می‌کنند. رسانه به گونه تدریجی تبدیل به ابزار رقابت راهبردی و ژئوپلیتیکی کشورها شده است.

در چنین شرایطی لازم است تا شناخت دقیق‌تری نسبت به ابزارهای کنش راهبردی کشورهای رقیب ایجاد شود. هر کشوری که از مازاد قدرت اقتصادی، تاکتیکی و ژئوپلیتیکی برخوردار است، می‌تواند نقش بازیگر رقیب در برابر اهداف منطقه‌ای و راهبردی ایران را ایفا کند. ترکیه و عربستان به لحاظ قالب‌های فرهنگی، ایدئولوژیک، اقتصادی و ژئوپلیتیکی از قابلیت لازم برای اثربخشی در محیط منطقه‌ای برخوردار بوده و در زمره بازیگران رقیب تحرک ژئوپلیتیکی ایران محسوب می‌شوند.

۱. ابزارهای رسانه‌ای و قدرت نرم راهبردی کشورها در قرن ۲۱

رسانه در موج سوم انقلاب تکنولوژیک نقش محوری برای ایجاد «ادراک کاذب» خواهد داشت. رسانه‌های زرد به گونه تدریجی توسعه پیدا کرده و هر یک از آنان تلاش دارند تا بخشی از واقعیت را در ساختار کنش ارتباطی پرمخاطره بازتولید کنند. رویکرد سیاسی و راهبرد امنیتی ایران در محیط منطقه‌ای به گونه‌ای است که نشانه‌هایی از رقابت هنجاری با هر یک از کشورهای یاد شده را در دستور کار قرار می‌دهد. در قرن ۲۱، سطح جدیدی از رقابت سیاسی بین بازیگران به وجود آمده که

عرصهٔ تعارض را به حوزهٔ رسانه، هنجار و قالب‌های گفتمانی تسری داده است. این فرایند به مفهوم «میلیتاریزه شدن سیاست» است. چنین وضعیتی به مفهوم آن است که در قرن ۲۱ رسانه می‌تواند عامل موثری در کاهش اقتدار کشورها تلقی شود (Waltzman, 2017: 27).

علت آن است که هر یک از سه بازیگر ایران، عربستان و ترکیه نقش منطقه‌ای خود را در فضای اثربخشی محیطی قرار داده و این امر منجر به ظهور واکنش‌های جدید از سوی دیگری خواهد شد. عربستان و ترکیه دارای نشانه‌هایی از قدرت نرم رسانه‌ای، اطلاعاتی و هنجاری را برای مقابله با ایران در دستور کار قرار داده‌اند. دو کشور یاد شده عموماً تلاش دارند تا محدودیت‌هایی را به منزلهٔ کنش متقابل در ارتباط با سیاست هویتی ایران در محیط منطقه‌ای به کار گیرند.

بررسی راهبردها و راهکارهای بازدارنده در برابر سیاست امنیتی، رسانه‌ای و ارتباطی ترکیه و عربستان می‌تواند زمینهٔ تغییر در قالب‌های ذهنی و انگاره‌های ژئوپلیتیکی را به وجود آورد. سیاست امنیتی عربستان و ترکیه معطوف به محدودسازی قدرت منطقه‌ای ایران بوده است. هر یک از کشورهای یاد شده دارای ابزارهای ارتباطی، رسانه‌ای و شکل‌بندی‌های اطلاعاتی برای محدودسازی و مقابله با جمهوری اسلامی ایران می‌باشند.

محدودسازی ایران یکی از اهداف راهبردی ترکیه و عربستان بوده است. توضیح آنکه عربستان و ترکیه در فرآیند رقابت‌های رسانه‌ای، ارتباطی و هویتی از سازوکارهای کاملاً متفاوتی برای محدودسازی قدرت ایران بهره می‌گیرند. محدودسازی قدرت ایران از طریق فضای مجازی، حوزهٔ اجتماعی و عرصه‌های کنش هنجاری عموماً می‌تواند سطح جدیدی از تعارض را در داخل کشور ایجاد نموده و این امر بر میزان تحرک و اثربخشی ژئوپلیتیکی ایران در محیط منطقه‌ای تأثیرگذار خواهد بود (Alcock, 1993: 15).

۱-۱. جنگ‌های شناختی و قالب‌های کنش معرفتی

هرگونه کنش معرفتی مبتنی بر ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی خواهد بود. در موج سوم انقلاب فناورانه نه تنها رسانه نقش محوری در تولید قدرت دارد، بلکه از قابلیت لازم برای تولید و انتقال مفاهیم نیز برخوردار است. تولید مفاهیم بر اساس قالب‌های کنش راهبردی برای قدرت و امنیت ملی کشورها معنا پیدا می‌کند. هر کشوری که قدرت خود را در حوزهٔ رسانه، ارتباطات، فیلم، قالب‌های

کنش مفهومی و تولید انگیزش ارتقا دهد، به گونه اجتناب‌ناپذیر مانع از کنش تهاجمی بازیگران رقیب در محیط امنیتی می‌شود.

در سال‌های قرن ۲۱ زمینه برای تغییر در الگوی کنش رفتاری کشورها به وجود آمد. موج سوم انقلاب تکنولوژیک زمینه شکل‌گیری بحران‌های سیاسی جدیدی را برای کشورهایی همانند ایران اجتناب‌ناپذیر ساخت. رسانه، هویت و جامعه شبکه‌ای به عنوان محورهای جدید جنگ شناختی محسوب می‌شوند. جنگ شناختی مبتنی بر تولید قالب‌های ادراکی و روایت‌های جدیدی است که زمینه تهییج گروه‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد.

تحولات تکنولوژیک تأثیر خود را در الگوی کنش ارتباطی بازیگران و چگونگی تعامل آنان با یکدیگر به جا می‌گذارد. موج سوم انقلاب تکنولوژیک بر نشانه‌هایی همانند قدرت و قابلیت نرم‌افزاری بازیگران منطقه‌ای تأکید داشته است. هر بازیگری که از سازوکارهای نرم‌افزاری موثرتری استفاده کند، طبعاً به نتایج و مطلوبیت‌های بیشتری نایل خواهد شد. عربستان و ترکیه در سال‌های قرن ۲۱ تلاش نمودند تا از مفاهیم و ادبیات رسانه‌ای برای کنترل مواضع بازیگران رقیب چالش‌ساز منطقه‌ای استفاده کنند. در چنین شرایطی رسانه و ابزارهای ارتباطی نقش موثری در الگوی کنش رقابتی کشورهایی همانند ایران، عربستان و ترکیه خواهد داشت.

یکی از بحث‌های اصلی جنگ شناختی را می‌توان ایجاد شکاف در قالب ادراکی جامعه و نظام سیاسی دانست. رادیکالیزه شدن گروه‌های سیاسی و اجتماعی، زمینه ایجاد جنگ شناختی را به وجود می‌آورد. در بسیاری از موارد شاهد این هستیم که رسانه‌های بین‌المللی در صدد بهره‌گیری از قالب‌های مفهومی، انگاره‌ها و هنجارهایی هستند که تضادهای شناختی را از طریق بازتولید مفاهیم رادیکال و پرمخاطره، ترویج می‌نمایند.

اگرچه طیف رسانه‌های ارتباطی نسبتاً گسترش یافته، اما هر رسانه‌ای کارویژه خاصی را در فضای اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی پیگیری می‌کند. تقسیم کار اجتماعی که در اواخر قرن ۱۹ توسط دورکیم مطرح شد، در سال‌های گذشته بر اساس قالب‌های مفهومی معنا پیدا کرده و شکل جدیدی از کنش ارتباطی را به وجود آورده است. شبکه‌های اجتماعی در عصر موجود، انحصار اصلی تولید و انتقال قالب‌های مفهومی را عهده‌دار هستند.

به همان گونه‌ای که انحصار رسانه‌ها و فیلم‌های سینمایی هالیوودی در اختیار گروه معدودی قرار دارد، طبیعی است که موج‌های جنگ شناختی در فضای سیاسی و اجتماعی ایران نیز از مرکزیت برخوردار است. ایالات متحده و بسیاری از قدرت‌های بزرگ توانستند موج جدیدی از کنش‌های سیاسی را در قالب جنبش‌های اجتماعی اعتراضی به وجود آورند. هرگونه کنشگری سیاسی و اجتماعی می‌تواند زمینه لازم برای همکاری‌های چندجانبه گروه‌های رسانه‌ای برای اثربخشی در فرآیند جنگ شناختی را به وجود آورد.

۱-۲. اثربخشی رسانه‌ای و رقابت‌های منطقه‌ای

هرگونه تحول در کنش رقابتی بازیگران تحت تأثیر «پارادایم‌های فناورانه» حاصل می‌شود. هر پارادایمی منعکس‌کننده شکل خاصی از کنش رفتاری بازیگرانی است که در وضعیت رقابت، همکاری و یا کنش تعارضی قرار خواهند داشت. ابزارهای رسانه‌ای و کنش ارتباطی می‌تواند قالب‌های ذهنی و ادراکی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده و این امر از قابلیت لازم برای مشروعیت‌زدایی واحدهای سیاسی برخوردار خواهد بود.

موج سوم انقلاب فناورانه زمینه شکل‌گیری ابزارهای ارتباطی را به وجود آورد. هر انقلاب سیاسی و فناورانه در معادله قدرت تأثیرگذار خواهد بود. از آنجایی که نشانه‌های «جابجایی در قدرت» به وجود آمده، بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که واحدهای سیاسی از سازوکارها و ابزارهای کنش ارتباطی برای ارتقا قابلیت خود استفاده نمایند. جنگ رسانه‌ای و بازتولید انتقال مفاهیم، محور اصلی رقابت کشورهای منطقه‌ای در قرن ۲۱ خواهد بود.

نکته دوم ارتباط مستقیم با نوع رقابت‌های منطقه‌ای کشورهایی همانند ایران، ترکیه و عربستان داشته که عمده‌تاً ماهیت نرم‌افزاری دارد. هرگونه ابزار ارتباطی به مثابه «ابزار قدرت» می‌تواند اهداف راهبردی کشورها را تحت تأثیر قرار دهد. رسانه از قابلیت لازم برای تولید «داده‌های واقعی»، «داده‌های مجازی» و «داده‌های دروغین» برخوردار است. انتقال هر یک از داده‌های یاد شده می‌تواند ضریب کنش سیاسی، فرهنگی و هنجاری شهروندان کشورهای رقیب را تحت تأثیر قرار دهد.

رسانه‌های ترکیه از مزیت نسبی تولید فیلم‌های اجتماعی و خانوادگی برخوردار هستند. این‌گونه از سریال‌ها بر ذهنیت و قالب ادراکی جامعه و شهروندان ایرانی تأثیر قابل توجهی به جا گذاشته است. رسانه می‌تواند زیرساخت‌های لازم برای تفکر سیاسی و الگوی کنش ارتباطی هر جامعه را تحت

تأثیر قرار دهد. شهروندان بسیاری از کشورها و نظام‌های سیاسی ایدئولوژیک همانند ایران در معرض موج‌های رسانه‌ای با رویکرد هنجاری قرار می‌گیرند.

رسانه‌های عربستان شکل متفاوتی از «تولید و انتقال مفاهیم» را در دستور کار قرار می‌دهند. هرگونه انتقال مفاهیم می‌تواند زمینه لازم برای تغییر در قالب‌های هنجاری و ادراکی شهروندان را به وجود آورد. موج‌های رسانه‌ای عربستان و ترکیه به لحاظ محتوا، ساختار و جهت‌گیری با یکدیگر متفاوت بوده و هر یک از آنان شکل خاصی از «انتقال هنجاری» را برای گروه‌های شهروندی ایرانی عهده‌دار هستند. انتقال هنجاری برای جوامع در حال گذار کاری دشوار و پرمخاطره محسوب می‌شود (روزنا، ۱۳۸۰: ۲۵).

ابزارهای رسانه‌ای و ارتباطی طیف گسترده‌ای از قالب‌های مفهومی را بازتولید می‌کنند. به طور کلی، رسانه از قابلیت لازم برای «کنترل ذهن»، «کنترل ادراک» و «کنترل الگوی کنش سیاسی» برخوردار است. در چنین شرایطی، هرگونه قالب‌های ذهنی، ارتباطی و رسانه‌ای می‌تواند مخاطبین خاص خود را جستجو نماید. واقعیت آن است که بسیاری از مفاهیم، قالب‌های معنایی و محتوایی رسانه‌ها به گونه‌ی اجتناب‌ناپذیر تأثیر خود را در شکل‌بندی ذهنی و ادراکی گروه‌های مخاطب به جا می‌گذارد.

موج سوم انقلاب ارتباطات از این جهت اهمیت دارد که رابطه متقابل انسان، جامعه، فرهنگ سیاسی و کنش مبتنی بر ذهنیت را شکل می‌دهد. تحول در ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ای تأثیر خود را در شکل‌بندی رقابت‌های فناورانه کشورها در محیط منطقه‌ای و سیاست بین‌الملل به جا می‌گذارد. ایران به لحاظ انگیزش کنش منطقه‌ای و بهره‌گیری از ابزارهای قدرت سخت، به سطحی از بازدارندگی تاکتیکی دست پیدا کرده است.

۲. رسانه، جامعه شبکه‌ای و بحران‌های اجتماعی تصاعدی‌پاینده

یکی از کارویژه‌های اصلی رسانه در «جنگ نرم» را می‌توان سازماندهی بحران‌های اجتماعی دانست. هر کشوری بر اساس شکل‌بندی‌های ساختاری خود با چالش‌های خاصی روبرو می‌شود. هر یک از این چالش‌ها می‌تواند ضریب کنش امنیتی نظام سیاسی را دچار نوسان سازد. رسانه و جامعه شبکه‌ای از قابلیت لازم برای اثربخشی محیطی برخوردار بوده و بر این اساس، برخی از بحران‌های اجتماعی ایران تحت تأثیر فضای رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته‌اند.

تجربه اعتراضات اجتماعی مهر، آبان و آذر ۱۴۰۱ بیانگر این واقعیت است که محور اصلی تولید قالب‌های ادراکی و کنش هیجانی معطوف به رسانه‌هایی است که در حوزه همجوار جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. جامعه ایرانی در فضای جنبش‌های اعتراضی عموماً تحت تأثیر ادبیات و مفاهیمی بوده است که از سوی رسانه‌هایی همانند: ایران اینترنشنال، شبکه من و تو، شبکه بی‌بی‌سی فارسی و همچنین شبکه تلویزیونی صدای آمریکا منتشر شده و به گونه تدریجی تبدیل به روایت ضدساختاری گردید (Beeman, 1985: 25).

خرده‌فرهنگ‌های جدید تأثیر خود را بر جنبش‌های اجتماعی به‌جا گذاشته و شکل جدیدی از آگاهی اجتماعی را به وجود آورده است. مبنای اصلی کنش گروه‌های اجتماعی در فضای اعتراضی و جنبش‌های ضد حکومتی ماهیت رسانه‌ای داشته است. قدرت نرم و رسانه‌ای ترکیه و عربستان به صورت مستقیم و غیرمستقیم نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌بندی‌های کنش اجتماعی ایفا نموده و به این ترتیب زمینه برای ظهور نشانه‌هایی از جنگ شناختی براساس قالب‌های هویتی جدید به وجود آمده است.

۱-۲. کارویژه ادراکی، هنجاری و راهبردی رسانه‌ها

رسانه‌ها یکی از ابزارهای اثرگذار قالب‌های ادراکی و هنجاری کشورها محسوب می‌شوند. هر رسانه دارای قالب‌های هویتی و کارکردی خاصی بوده و بر این اساس قادر خواهد بود بر طیف گسترده‌ای از نیروهای اجتماعی تأثیر به‌جا گذارد. فضای رسانه‌ای در عرصه‌های ارتباطی می‌تواند قالب‌های هنجاری جدیدی را به وجود آورده که تأثیر قابل توجهی بر مؤلفه‌های ذهنی و الگوی کنش ادراکی کشورها دارد.

واقعیت‌های کنش سیاسی بیانگر آن است که اگر کشوری در وضعیت ایدئولوژیک و هنجاری اداره شود، قادر نخواهد بود خود را با قالب‌های مفهومی رقیب در وضعیت ترمیم و تعادل قرار دهد. کنش ساختاری در شرایطی شکل گرفته و بازتولید می‌شود که از قابلیت لازم برای تبیین مؤلفه‌های اجتماعی و هنجاری برخوردار شود. بسیاری از قالب‌های هنجاری نظام سرمایه‌داری که نقش مؤثری در اقتصاد و سیاست جهانی دارد، با مؤلفه‌های هنجاری جمهوری اسلامی در تعارض بوده و گسترش این آموزه‌ها می‌تواند زمینه نافرمانی مدنی را به وجود آورد.

چالش‌های رسانه‌ای یکی از موضوعات اصلی و تعیین‌کننده در فضای جنبش‌های اجتماعی عصر موجود محسوب می‌شود. هر جنبش اجتماعی به لحاظ ساختاری، ادبیات و انتظاراتی که وجود دارد، شکل خاصی از کنش ارتباطی و قالب‌های مفهومی را تولید می‌کند. موضوع اصلی آن است که چگونه برخی از قالب‌های کنش سیاسی در پاییز ۱۴۰۱ تبدیل به جنبش اجتماعی با ادبیات رادیکال گردید. واقعیت آن است که رسانه‌های ارتباط جمعی در طی دو دهه گذشته همواره تلاش داشته‌اند تا روایت‌های جدیدی را در ارتباط با ساخت سیاسی و اجتماعی ایران تولید نمایند. اگرچه در این فرایند نشانه‌هایی از اعتراض اجتماعی پراکنده وجود داشته، اما اینگونه اعتراضات نتوانست تأثیر قابل توجهی بر شکل‌بندی‌های رفتار سیاسی کشور ایران به جا گذارد. ارزیابی انجام شده بیانگر آن است که «قالب‌های هنجاری جامعه ایرانی» نقش موثر و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری جنبش‌های اعتراضی با رویکرد هنجاری داشته است (Alcock, 2003: 91).

تهدیدات رسانهای ماهیت نرم‌افزاری دارد. ارزیابی‌های انجام شده بیانگر این واقعیت است که قالب‌های ادراکی، فرهنگی و رسانه‌ای ایران به گونه تدریجی تغییر یافته است. تغییرات نسلی و جابه‌جایی جمعیت از مناطق حاشیه‌ای به حوزه‌های مرکزی شهر زمینه ظهور قالب‌های هنجاری و ادراکی جدید را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. هرگونه تغییرات نسلی می‌تواند زمینه لازم برای ظهور بحران‌هایی را به وجود آورد که تحت تأثیر قالب‌های رسانه‌ای قرار داشته و قدرت نرم و رسانه‌ای ترکیه و عربستان توانستند موج جدیدی از قالب‌های فرهنگ‌سازی، هنجارسازی و ادراک سیاسی را در جامعه ایران بازتولید نمایند (هالستی، ۱۳۷۳: ۱۴۵).

۲-۲. جهت‌گیری رسانه‌های عربستان‌محور
عربستان از سازوکارهای «کنش نیابتی» بهره می‌گیرد. کنش نیابتی به مفهوم آن است که برخی از افراد و یا سازمان‌ها مسئولیت اجرای پروژه خاصی را عهده‌دار می‌شوند. مقامات عربستان به این موضوع واقفند که راهبرد کنش منطقه‌ای ایران تا زمانی تداوم خواهد داشت که ساخت سیاسی از اقتدار و آموزه‌های اثربخش برخوردار باشد. به این ترتیب، عربستان راهبرد چالش در داخل را به‌عنوان محور اصلی سیاست منطقه‌ای خود قرار داده است.

بسیاری از مجموعه‌های رسانه‌ای به یاد دارند که «محمد بن سلمان» در سال ۲۰۱۶ به این موضوع اشاره کرد که ایران در آینده می‌بایست با چالش‌های داخلی خود مقابله کند. مفهوم «چالش از درون»

را می‌توان به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی مقامات عربستان برای مقابله با سیاست هویتی و راهبردی ایران دانست. چنین راهبردی بیانگر این واقعیت است که سیاست منطقه‌ای ایران منجر به اقدامات پریسک برای مقامات عربستان شده است. بسیاری از بحران‌های منطقه‌ای از طریق قالب‌های گفتمانی و رسانه‌ای کنترل شده و زمینه شکل‌گیری نشانه‌هایی از بازتولید سیاست و رقابت منطقه‌ای را به وجود آورده است (Wallenius & Nilsson, 2019: 35).

راهبرد کنش پریسک در سیاست امنیتی عربستان می‌تواند ماهیت «سخت‌افزاری» و یا «نرم‌افزاری» داشته باشد. هر یک از سازوکارهای یاد شده را می‌توان به عنوان بخشی از راهبرد امنیتی دانست که از قابلیت لازم برای «تضعیف ساختار داخلی» و «گسترش بحران اجتماعی» در ایران برخوردار خواهد بود. سیاست امنیتی عربستان در ارتباط با ایران عمدتاً ماهیت رسانه‌ای و ارتباطی با جهت‌گیری سیاسی داشته است.

کنش رسانه‌ای عربستان در فضای امنیتی و راهبردی ایران «ماهیت خوشه‌ای» و «چند بعدی» داشته است. عربستان از طریق طیف گسترده‌ای از ابزارهای رسانه‌ای توانست گروه‌های اپوزیسیون در حوزه کنش ارتباطی و رسانه‌های بین‌المللی را با خود هماهنگ سازد. حمایت‌های اقتصادی عربستان از رسانه‌های بین‌المللی به این دلیل اهمیت دارد که می‌تواند زمینه لازم برای ارتباط با طیف گسترده‌ای از گروه‌های نخبگی، مجموعه‌های وابسته به اپوزیسیون و نیروهای اجتماعی را شکل دهد. هر یک از گروه‌های اپوزیسیون می‌توانند زمینه‌های لازم برای همکاری‌های تحلیلی، ارتباطی، هنجاری و حتی اطلاعاتی با مجموعه‌های اجتماعی ایران را فراهم سازند. در سال‌های قرن ۲۱ و در فضای موج سوم انقلاب فناوری که مبتنی بر بهره‌گیری از رسانه‌های چند منظوره و چند ملیتی بوده، رسانه‌های عربستان قادر هستند تا زمینه همکاری تحلیلی و راهبردی با گروه‌های اجتماعی ایران را فراهم سازند.

هر یک از رسانه‌های مورد استفاده عربستان نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در شکل‌بندی‌های رفتار سیاسی کشورها از جمله ایران ایفا می‌کنند. رسانه‌های ارتباطی در جامعه شبکه‌ای می‌توانند مفاهیم قدرت، امنیت، چالش، بحران، تعارض و همکاری را بازتولید کنند. رسانه‌های ارتباطی و عرصه شبکه‌ای رسانه‌های عربستان، ماهیت سیاسی دارند. «شبکه ایران اینترنت‌شنال» توسط عربستان مورد حمایت قرار گرفته و فعالیت‌های خود علیه ایران را از لندن به انجام می‌رساند.

هویت یکی از شاخص‌های محوری در رفتار کشورها محسوب می‌شود. بخش قابل توجهی از رقابت‌های ایران و عربستان در محیط منطقه‌ای ماهیت رقابتی دارد. نادیده گرفتن چالش‌های رقابتی می‌تواند تأثیر خود را در سیاست امنیت منطقه‌ای به‌جا گذارد. رقابت بازیگران منطقه‌ای از این جهت اهمیت دارد که رابطه متقابل بازیگران در فضای تعارضی، همکاری‌جویانه و ژئوپلیتیکی را امکان‌پذیر می‌سازد (بصیری و حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۴۲).

محور اصلی فعالیت ایران اینترنت‌شنال و برخی دیگر از رسانه‌های ارتباطی بین‌المللی در ارتباط با ایران را می‌توان مقابلهٔ هنجاری و ساختاری دانست. جلوه‌هایی از کنش هنجاری شکل گرفته که تأثیر خود را در مشروعیت‌ستیزی ساخت حکومتی ایران به وجود آورده است. هرگونه کنش مشروعیت‌ساز و یا مشروعیت‌زدا می‌تواند نقش محوری در حوزهٔ کنش سیاسی و راهبردی داشته باشد.

در روند بحران‌های اجتماعی ایران عموماً شبکه‌های زنجیره‌ای که در انگلیس فعالیت دارند، محور اصلی تلاش خود را مقابله با ساختار سیاسی ایران قرار داده‌اند. رسانه‌های بین‌المللی عموماً در صددند تا شکل خاصی از کنش ارتباطی را در جامعهٔ ایرانی به وجود آورده و از این طریق به نتایج و مطلوبیت‌هایی در راستای بی‌ثبات‌سازی ساخت سیاسی ایران نایل شوند. جنگ رسانه‌ای در فضای کنش نرم‌افزاری قرار داشته و هیچگونه چالشی در ارتباط با «کنوانسیون وین ۱۹۶۲» به‌جا نخواهد گذاشت.

۳-۲. جهت‌گیری رسانه‌های ترکیه‌محور

رسانه‌های ترکیه ماهیت هنجاری دارند. ترکیه تلاش دارد تا قالب‌های هنجاری و آموزه‌های ادراکی خود را برای طیف گسترده‌ای از کشورهای محیط منطقه‌ای انتشار دهد. انتشار قالب‌های هنجاری و رسانه‌ای می‌بایست ماهیت آرام و بی‌صدا داشته باشد؛ هیچگونه حساسیت سیاسی تولید نمی‌کند، اما از قابلیت لازم برای اثرگذاری در حوزه‌های ادراکی و اجتماعی شهروندان برخوردار است. به طور کلی، رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی ترکیه ماهیت هنجاری داشته و تمایل کمتری برای اثربخشی در حوزه‌های سیاسی دارند.

رسانه‌های هنجاری تولیدات خود را در قالب داستان، فیلم و سریال‌هایی قرار می‌دهند که هر یک از آنان می‌توانند بر فضای ذهنی و ادراکی شهروندان تأثیرگذار باشند. ارزیابی‌های انجام شده بیانگر این واقعیت است که طیف گسترده‌ای از رسانه‌های ترکیه هیچگونه تمایلی به اتخاذ سازوکارهای سیاسی و امنیتی ندارند. سیاست و امنیت در حوزهٔ رسانه‌ای ترکیه، ماهیت هنجاری خواهد داشت.

جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه پس از جنگ دوم جهانی، ماهیت غرب‌گرایانه داشته است. در سال‌های پس از جنگ سرد، گروه‌های اسلام‌گرا به گونه تدریجی موقعیت مطلوب‌تری در محیط منطقه‌ای خاورمیانه و سیاست بین‌الملل پیدا کردند. حزب عدالت و توسعه را می‌توان به‌عنوان بازیگری دانست که مبانی اصلی اقتدار سیاسی و ساختاری خود را بر اثربخشی پیرامونی قرار داده و این امر، اعتبار ساختاری و ژئوپلیتیکی ترکیه را به گونه تدریجی ارتقا بخشید. ترکیه توانست نشانه‌هایی از غرب‌گرایی را با تعامل‌گرایی در منطقه پیوند دهد (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

کنش رسانه‌ای ترکیه ماهیت سیاسی و تعارضی ندارد. ترکیه تمایلی به تحریک افکار عمومی برای آشوب‌سازی در ایران نشان نداده است. ساختار سیاسی و اجتماعی ترکیه دارای شکل خاصی از قالب‌های هنجاری و ادراکی بوده که نتیجه آن را می‌توان در فضای کنش ادراکی و اجتماعی ایرانیان مشاهده نمود. «شبکه جم تی وی» از اعتبار، کارآمدی و اثربخشی قابل توجهی در ساختار سیاسی ایران برخوردار است.

این گونه از شبکه‌های رسانه‌ای و ارتباطی می‌تواند تأثیر خود را در فضای اجتماعی، ادراکی و هنجاری جامعه ایرانی به جا گذارند. رسانه‌های ترکیه بر اساس قالب‌های مفهومی «رسانه‌های هنجاری» طبقه‌بندی می‌شوند. ویژگی اصلی رسانه‌های هنجاری آن است که در فضای کنش تعارض سیاسی قرار نگرفته، بلکه در صدد هستند تا «سبک زندگی» و «مزیت‌های هنجاری» خود را از طریق رسانه‌ها و ابزارهای ارتباط هنجارمحور سازماندهی کنند.

ترکیه در روند بحران اوکراین به‌عنوان یکی از بازیگران منطقه‌ای ایفای نقش نمود که توانست زمینه لازم برای پیوستگی ژئوپلیتیکی و راهبردی را به وجود آورد. سیاست ترکیه در قبال بحران اوکراین، ماهیت متوازن و منفعت‌محور داشته است. این امر تابعی از ضرورت‌های فرهنگ راهبردی ترکیه، نئو عثمان‌گرایی، ارزش‌های غربی و ضرورت‌های حزب عدالت و توسعه می‌باشد. ترکیه از بحران اوکراین در جهت ارتقا منافع، جایگاه ژئوپلیتیکی و قدرت راهبردی خود بهره گرفت (هلال‌ات و حکیم، ۱۴۰۲: ۱۷۴).

رسانه‌های ترکیه بیش از آنکه محور اصلی تعارض سیاسی با ساخت حکومتی ایران داشته باشند، عموماً تلاش می‌کنند تا قالب‌های ذهنی و اوقات فراغت شهروندان را بر اساس قالب‌های هنجاری فرهنگ رسانه‌ای بین‌المللی که تابعی از هنجارهای هالیوودی می‌باشد، کنترل و بازتولید نمایند. کنش

ارتباطی رسانه‌های ترکیه عموماً ماهیت هنجاری داشته و به هیچ وجه وارد عرصه‌های کنش سیاسی نمی‌شود. روند حرکت و اثربخشی رسانه‌های ترکیه عموماً محدود، مرحله‌ای و هنجاری خواهد بود. واقعیت‌های کنش هنجاری در عصر موجود بیانگر این واقعیت است که رسانه بدون توجه به قالب‌های مفهومی، اثربخشی چندانی ندارد. رسانه‌های موجود عمدتاً ماهیت نوشتاری، شنیداری و دیداری دارند. هر یک از این‌گونه رسانه‌ها عموماً تلاش می‌کند تا نقش مؤثری در ساختار سیاسی و امنیتی جوامع ایفا کند. رسانه و اوقات فراغت را باید در زمره حوزه‌های کنش ارتباطی گروه‌های شهروندی دانست که تأثیر خود را در ساخت اجتماعی و سیاسی کشورهای هدف به گونه‌ی مرحله‌ای به جا می‌گذارد.

سیاست خاورمیانه چین در تقاطع منافع منطقه‌ای قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای از جمله ایران و عربستان قرار دارد. چین برای گسترش قدرت اقتصادی خود نیازمند سرمایه‌گذاری در محیط‌های منطقه‌ای است. هرگونه سرمایه‌گذاری می‌تواند زیرساخت‌های رقابت جدیدی از بازیگران را به وجود آورد. چین سیاست ابتکار امنیت جهانی و دیپلماسی مداخله سازنده را در فضای کنش رقابتی در دستور کار قرار داده است. الگوی رفتار چین ماهیت شبکه‌ای و راهبردی خواهد داشت (محروق و بایرام‌لو، ۱۴۰۳: ۹۵).

۳. عملیات روانی و کنش رسانه‌ای کشورهای پیرامونی ایران

در فضای موج سوم انقلاب فناورانه، زمینه برای نقش‌یابی قالب‌های مفهومی و رسانه‌ای فراهم می‌شود. رسانه را می‌توان در زمره ابزارهای اثربخشی در حوزه سیاست، فرهنگ، ادبیات و حتی ژئوپلیتیک دانست. در سال ۲۰۲۴ قالب‌های مفهومی مربوط به تغییرات ژئوپلیتیکی نقش تعیین‌کننده‌ای در حوزه سیاست منطقه‌ای ایران داشته است. این امر، تحت تأثیر ضرورت‌های امنیتی و راهبردی قدرت‌های بزرگ و همچنین بازیگران منطقه‌ای قرار می‌گیرد.

هر یک از دو کشور عربستان و ترکیه نقش مؤثری در شکل‌بندی‌های رقابت سیاسی و ژئوپلیتیکی در ارتباط با ایران ایفا می‌کنند. علت آن را باید در رقابت‌های تاریخی این کشورها در ۱۰۰ سال گذشته دانست. تغییرات ژئوپلیتیکی بعد از جنگ اول جهانی و دگرگونی‌های پس از جنگ سرد تأثیر خود را در شکل‌بندی‌های رقابت منطقه‌ای ایران، ترکیه و عربستان به جا گذاشته است. بخش قابل توجهی از این گونه رقابت‌ها در سال‌های قرن ۲۱ ماهیت رسانه‌ای، ارتباطی و مفهومی پیدا کرده است (کلمن، ۱۳۷۷: ۹۳).

۳-۱. موج سوم انقلاب فناورانه و عملیات روانی بازیگران منطقه‌ای

قالب‌های مفهومی و موج‌های رسانه‌ای عموماً تحت تاثیر تغییرات ناشی از انقلاب فناورانه جهان قرار می‌گیرند. ترکیه و عربستان در زمره کشورهای محسوب می‌شوند که نقش موثری در فضای رقابت رسانه‌ای با ایران دارند. هر یک از دو بازیگر یاد شده دارای قابلیت اثرگذار بر سیاست منطقه‌ای و راهبردی ایران خواهند بود. علت آن است که چنین بازیگرانی از قابلیت و توانایی موثری برای ایفای نقش منطقه‌ای برخوردارند.

هر انقلاب فناورانه می‌تواند تاثیر خود را بر رقابت‌های سیاسی بازیگران منطقه‌ای به جا گذارد. اگر چه کشورهای ایران، عربستان و ترکیه از توازن نسبی برخوردارند اما این بازیگران برای تحقق اهداف خود می‌بایست از سازوکارهای کنش رقابتی برای محدودسازی دیگری استفاده نمایند. تاریخ نشان داده است که ابزار قدرت نرم میزان اثربخشی بیشتری در مقایسه با قدرت سخت خواهد داشت (Lasswell, 1936:17).

عربستان و ترکیه برای محدودسازی نقش و قدرت ایران از سازوکارهای قدرت رسانه‌ای بهره می‌گیرند. هر یک از دو کشور یاد شده دارای مزیت اقتصادی بالاتری نسبت به ایران بوده و این امر منجر به پیوند نشانه‌های قدرت اقتصادی و رسانه‌ای برای کاهش مشروعیت ایران می‌شود. مشروعیت‌یابی یکی از شاخص‌های اصلی سیاست اقتصادی و راهبردی کشورها بوده و به همین دلیل است که رسانه‌های بین‌المللی تلاش می‌کنند تا اقتدار و مشروعیت فرهنگی و ارتباطی یک جامعه را تحت تاثیر قرار دهند.

نقش عوامل ارتباطی از این جهت اهمیت دارد که موج رسانه‌ای و قدرت نرم بازیگرانی همانند عربستان و ترکیه در سال‌های قرن ۲۱ علیه سیاست منطقه‌ای و اهداف راهبردی ایران سازماندهی شده است. عربستان دارای منابع مالی گسترده‌ای بوده و به همین دلیل است که می‌تواند قالب‌های شبکه‌ای گسترده‌ای را سازماندهی و هدایت کند. موج سوم انقلاب تکنولوژیک تأثیر خود را بر جنبش‌های اجتماعی و ساخت سیاسی کشورها به جا گذاشته است.

ویژگی اصلی موج سوم انقلاب تکنولوژیک، شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای است. در فضای جامعه شبکه‌ای، شکل جدیدی از کنش ارتباطی به وجود می‌آید. هرگونه کنش ارتباطی، رابطه مستقیم بین سوزده‌های اجتماعی و ابژه‌های رسانه‌ای دارد. سوزده‌های اجتماعی را نسل‌های جدید تشکیل می‌دهند.

نسل‌هایی که میزان کنش ارتباطی آنان با قالب‌های فرهنگی و خانوادگی گذشته متفاوت و متمایز می‌باشد (معمد نژاد، ۱۳۸۵: ۴۴).

هر واحد سیاسی تلاش دارد تا موقعیت خود را ارتقا داده و زمینه کاهش قدرت و میزان اثرگذاری سایر بازیگران را فراهم آورد. سوژه‌های اجتماعی تحت تأثیر جامعه شبکه‌ای وارد فضای فردگرایی گردیده و از هر گونه کنترل اجتماعی و ساختاری گریزان خواهد بود. در این شرایط، نهادهای سیاسی و ساختاری به‌عنوان بخش دیگری از سوژه‌های عمومی تأثیرگذار بر معادله رفتاری گروه‌های مختلف محسوب می‌شود.

۲-۳. سوژه‌های عملیات روانی در کنش رسانه‌ای کشورهای پیرامونی

هر بازیگری برای اثربخشی در محیط پیرامونی نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای کنش رسانه‌ای و ارتباطی است. اثربخشی ابزارهای رسانه‌ای در شرایطی حاصل می‌شود که زمینه برای «اثربخشی ادراکی» به وجود آید. اثربخشی تابعی از رقابت‌های رسانه‌ای و ارتباطی بازیگرانی است که هر یک تلاش دارند تا سطح خاصی از رقابت و اثربخشی منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهند. سوژه‌های عملیات روانی عربستان و ترکیه در ارتباط با ایران را موضوعات نسلی، هویتی، جنسیتی، ادراکی و رفتاری تشکیل می‌دهد (Sen, 1993: 45).

هر یک از دو کشور یاد شده دارای ترجیحات خاصی در سوژه‌یابی امنیتی هستند. عربستان بخش قابل توجهی از قالب‌های رفتار رسانه‌ای و ارتباطی خود را با سرویس‌های ارتباطی انگلیس هماهنگ می‌سازند. انگلیس از قابلیت لازم برای شناخت فرهنگی و ادراکی گروه‌های نسلی در جامعه ایران برخوردار است. انگلیس تلاش دارد تا نشانه‌هایی از قالب‌های مفهومی را برای اثربخشی ادراکی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران به کار گیرد.

تحقق این امر نیازمند بهره‌گیری از سوژه‌های نسلی، جنسیتی و هویتی است. به همین دلیل است که «شبکه من و تو» و «شبکه ایران اینترنشنال» از سازوکارهای کنش فرهنگی برای محدودسازی اقتدار هویتی ایران بهره می‌گیرند. عادی سازی روابط ایران و عربستان تأثیر خود را بر وقفه و کاهش فعالیت‌های رسانه‌ای عربستان به جا گذاشته است. در چنین شرایطی طبیعی است که رسانه می‌تواند نقش موثری در شکل‌بندی کنش ارتباطی و ادراکی جامعه ایرانی ایفا نماید.

در فرآیند رقابت‌های رسانه‌ای و ارتباطی هر کشوری تلاش دارند تا قالب‌های هنجاری را کنترل نمایند. کنترل قالب‌های هنجاری بخشی از فضای سیاسی و ارتباطی است که در نظام حکومتی ایران شکل گرفته و تأثیر خود را بر دوگانگی اجتماعی، نسلی و ساختاری به جا می‌گذارد. بر اساس چنین نشانه‌هایی است که بخش محوری عملیات روانی بازیگران منطقه‌ای، حوزه‌های ادراکی و هویتی نسل جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Dean and Taylor, 1992: 32).

هرگونه کنش متمایز سوژه‌ها تابعی از فضای ادراکی و قالب‌های ارتباطی آنان در حوزه رسانه‌ای خواهد بود. سوژه‌های رسانه‌ای و ارتباطی عربستان را گروه‌های اجتماعی ایرانی در برمی‌گیرد. در حالی که الگوی کنش ارتباطی رسانه‌های عربستان معطوف به جذب و اثربخشی در حوزه نخبگان اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خواهد بود. هر مجموعه رسانه‌ای بر اساس مزیت نسبی خود به اتخاذ سازوکارهای کنش ارتباطی مبادرت می‌نماید. کنش ارتباطی انگلیس و عربستان را می‌توان بر اساس بسیج افکار عمومی تحلیل نمود. (Schon, 1973: 47)

ابژه‌های ادراکی و رفتاری ترکیه نسبتاً متفاوت و متمایز از عربستان بوده است. حوزه رسانه‌ای و عملیات روانی ترکیه عموماً تلاش دارد تا زمینه جذب سرمایه و نخبگان اقتصادی ایران را به وجود آورد. چنین رویکردی به مفهوم بهره‌گیری از سازوکارهای ادراکی با رویکرد اقتصادی و خانوادگی بوده است. رسانه‌های ترکیه عموماً فیلم‌هایی را در چارچوب «کانال جم تی وی» پخش می‌نمایند که قالب‌های ادراکی جدیدی را برای مخاطبان بازتولید می‌کند.

نتیجه چنین فرآیندی را می‌توان در ارتباط با قالب‌های ذهنی و ادراکی گروه‌های اجتماعی و شهروندی مورد توجه قرار داد. ابژه رسانه‌ای یکی از عوامل اساسی نقش‌یابی کشورهای منطقه‌ای برای اثربخشی در محیط پیرامونی است. عربستان و ترکیه دو رویکرد کاملاً متفاوت نسبت به ایران در محیط منطقه‌ای دارند. کشورهای یاد شده نقش‌های متفاوت رسانه‌ای برای محدودسازی قدرت تحرک ایران را در دستور کار قرار می‌دهند.

ابژه‌های اجتماعی از سوی رسانه‌های بین‌المللی تولید می‌شود. هر رسانه‌ای تلاش می‌کند تا شکل جدیدی از قالب‌های ادراکی را به وجود آورد. قالب‌های ادراکی در تفکر سیاسی و اجتماعی نسل جدید ایران ماهیت اعتراضی پیدا کرده است. گروه‌های نسلی بیش از آنکه با فضای ساختاری ارتباط

داشته باشند، مبنای اصلی کنش خود را در قالب فضای رسانه‌ای قرار داده که دارای انگاره‌های ذهنی، ادراکی و ارتباطی نزدیک‌تری با آنان احساس می‌کند.

۴. رویکرد رسانه‌ای و قدرت نرم ترکیه در برخورد با ایران

در قرن ۲۱ ابزارهای قدرت اثربخشی بازیگران به میزان قابل توجهی تنوع پیدا کرده است. موج سوم انقلاب تکنولوژیک را می‌توان در زمره عواملی دانست که نقش موثری در شکل‌بندی‌های کنش ارتباطی و رفتاری بازیگران داشته است. رسانه را می‌توان محور اصلی کنش ارتباطی ترکیه برای اثربخشی بر اذهان و قالب‌های ادراکی جامعه ایرانی دانست. ترکیه در وضعیت همجواری قرار داشته و در نتیجه از قابلیت لازم برای کنش متقابل با ایران برخوردار است.

بازیگران رقیب همواره یکی از نیروهای اصلی و تأثیرگذار در حوزه سیاست و اقتصاد جهانی محسوب می‌شود. هر بازیگری تلاش دارد تا شکل خاصی از کنش ارتباطی را به وجود آورده و از این طریق به نتایج راهبردی برای کنترل بازیگران رقیب استفاده نماید. تحولات موج سوم انقلاب تکنولوژیک منجر به ظهور قالب‌های ادراکی جدید شده است. هر قالب ادراکی می‌تواند تأثیر خود را در جهت‌گیری و الگوی رفتاری بازیگران و مخاطبین خود به‌جا گذارد. فوکویاما مفهوم هویت را به منزله زیربنای کنش رفتاری شهروندان دانست (Fukuyama, 2001: 25).

هرگونه تغییر اجتماعی تأثیر خود را بر شکل‌بندی و الگوی رفتار بازیگران به جا می‌گذارد. تحولات رسانه‌ای در ایران دو دهه گذشته از این جهت اهمیت داشته که به‌عنوان نیروی تأثیرگذار در قالب ادراکی و آرمانی جوانان ابفای نقش کرده است. رسانه‌های بین‌المللی عموماً تلاش دارند تا مخاطبین خود را از بین گروه‌های اجتماعی کشور هدف پیدا نمایند. هنجارسازی را می‌توان محور اصلی شناخت رسانه‌ای و تحلیلی گروه‌های اجتماعی در فضایی دانست که رسانه نقش موثری در شکل‌بندی رفتار اجتماعی دارد. (Rose and Ackerman, 1996:31)

۴-۱. قالب‌های ادراکی و راهبردی ترکیه نسبت به ایران

مناسبات ایران و ترکیه همواره مبتنی بر نشانه‌هایی از دشواری کنش ارتباطی بوده است. ایران و ترکیه به لحاظ تاریخی با یکدیگر آشنایی زیادی داشته و علاوه بر حوزه‌های همجواری و همسایگی، در برخی از دوران‌های تاریخی درگیر منازعات خشونت‌آمیز نیز شده‌اند. ترکیه از این جهت برای

ایران اهمیت دارد که اولاً به لحاظ جغرافیایی در وضعیت همسایگی و همجواری قرار دارد. ثانیاً ترکیه از انگیزه توسعه قدرت به حوزه پیرامون برخوردار بوده و این امر چالش‌هایی را برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌کند. ثالثاً ترکیه به لحاظ جغرافیایی و راهبردی بخشی از ژئوپلیتیک ناتو در محیط منطقه‌ای محسوب می‌شود.

قالب‌های شناختی ترکیه و ایران نسبت به یکدیگر همواره مبتنی بر نشانه‌هایی از «ابژه اجتماعی» و «سوژگی منطقه‌ای» بوده است. در چنین شرایطی طبیعی به نظر می‌رسد که رقابت‌های محیطی تأثیر خود را بر سیاست و امنیت منطقه‌ای به جا گذارد. ترکیه تلاش دارد که زمینه لازم برای توسعه حوزه ژئوپلیتیکی خود را فراهم آورد. تحقق این امر از طریق سازوکارهای «کنش مسالمت‌آمیز»، «مدیریت بحران منطقه‌ای» و «تحرک گزینشی در محیط منطقه‌ای» امکان‌پذیر می‌باشد.

رسانه در عصر اطلاعات به گونه قابل توجهی ارتقا یافته و زمینه بهینه شدن موقعیت کشورها را به وجود آورده است. به هر میزان واحدهای سیاسی از تحرک ژئوپلیتیکی بیشتری در محیط منطقه‌ای برخوردار شوند، طبیعی است که آنان به قابلیت‌های فراگیرتری برای نقش‌یابی سیاسی و راهبردی نایل می‌شوند. هرگونه عملیات روانی در عصر رسانه نیازمند بهره‌گیری از سازوکارهایی همانند تحریک، ارباب، انسانیت‌زدایی، انگاره‌سازی و ایجاد گسست ادراکی خواهد بود. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده، بخشی از ضرورت‌ها و واقعیت‌های مربوط به سیاست بین‌الملل علیه ایران را منعکس می‌سازد (سلطانی، ۱۳۸۲: ۱۶۵).

سیاست ترکیه در ارتباط با ایران عموماً مبتنی بر نشانه‌هایی از «همکاری‌های متقابل» و «همزیستی مسالمت‌آمیز» بوده است. اگر چه بین ایران و ترکیه نشانه‌هایی از «تقابل ژئوپلیتیکی» به چشم می‌خورد اما رهبران سیاسی دو کشور عموماً تلاش دارند تا از سازوکارهای کنش ارتباطی و رقابت کم‌شدت در ارتباط با یکدیگر استفاده کنند. کنش رسانه‌ای و هویتی بخشی از سازوکارهای رفتار ایران و ترکیه برای متقاعدسازی دیگری در فضای رقابت‌های محیطی آنان بوده است.

اگر چه ایران و ترکیه نسبت به یکدیگر دیدگاه‌های توسعه‌طلبانه ندارند اما چندین موضوع جغرافیایی و منطقه‌ای وجود دارد که زمینه ظهور «چالش‌های ژئوپلیتیکی» را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در نگرش ترکیه به هر میزان قدرت ملی و انسجام ساختاری ایران کاهش پیدا کند، در آن شرایط زمینه برای کاهش انتظارات راهبردی ایران در منطقه فراهم می‌شود. به همین دلیل است که ترکیه

محور کنش سیاسی و راهبردی خود در رابطه با ایران را در ارتباط با «سازوکارهای کنش غیرراهبردی» قرار داده است (فوکویاما، ۱۳۹۸: ۲۴۱).

کنش غیرراهبردی به معنای آن است که ترکیه تلاش دارد تا از سازوکارهای فرهنگی، هنجاری و ادراکی در ارتباط با ایران استفاده کند. انگاره امنیتی و راهبردی ترکیه در رابطه با ایران عمدتاً ماهیت فرهنگی و هنجاری دارد. کشوری که دارای رویکرد سکولار در اداره امور عمومی خود می‌باشد، طبیعی است که کشور ایدئولوژیک را به عنوان تهدید برای خود تلقی می‌کند. در تفکر ترکیه، اسلامگرایی شیعی به عنوان تهدیدی برای منطقه محسوب می‌شود.

جهت‌گیری رسانه‌ای و ارتباطی ترکیه در ارتباط با ایران ماهیت فرهنگی و هنجاری پیدا کرده و به حوزه‌های ژئوپلیتیکی توجه چندانی ندارد. به قدرت رسیدن گروه‌های اسلامگرا در ترکیه، سطح تضادهای سیاسی و هنجاری با ایران را افزایش می‌دهد. مقامات ترکیه به این موضوع واقف هستند که دو قالب ادراکی در ارتباط با اسلامگرایی وجود داشته که هر یک از آنان می‌تواند تاثیر خاص خود را در محیط پیرامون به جا گذارد.

ترکیه در قرن ۲۱ نقش منطقه‌ای موثرتری را عهده‌دار شده است. رویکرد هنجاری، سیاسی و ژئوپلیتیکی ترکیه مبتنی بر نشانه‌هایی از مشارکت و همکاری‌های چندجانبه با محیط پیرامون است. ترکیه تمایلی به تشدید تضادها و چالش‌های موجود منطقه‌ای با ایران ندارد. رویکرد مبتنی بر اسلامگرایی در ایران چالش‌های هنجاری به وجود می‌آورد. در حالی که اگر نشانه‌هایی از ناسیونالیسم غرب‌محور در ایران سازماندهی شود، در آن شرایط زمینه برای رقابت‌های ژئوپلیتیکی نیز به وجود می‌آید.

تضادهای فرهنگی و هنجاری ترکیه عموماً ماهیت رسانه‌ای و ارتباطی دارد. مقام‌های ترکیه در دوران پس از انقلاب اسلامی عموماً تلاش داشته‌اند تا نشانه‌هایی از موازنه با ایران را در دستور کار قرار دهند. نادیده گرفتن موازنه یکی از چالش‌های اساسی روابط متقابل ایران و ترکیه محسوب می‌شود. واقعیت آن است که تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی در ایران و ترکیه ادامه خواهد یافت و انگاره ترکیه می‌تواند در بسیاری از موارد الهام‌بخش گروه‌ها و مجموعه‌های گریز از مرکز باشد. چنین روندی به گونه اجتناب‌ناپذیر تاثیر خود را بر اسلام سیاسی در ایران و سکولاریسم تعدیل شده در ترکیه به جا خواهد گذاشت.

۴-۲. قالب‌های ادراکی و راهبردی عربستان نسبت به ایران

ایران و عربستان دارای دو انگاره متفاوت فرهنگی، سیاسی و راهبردی بوده و هر یک از آنان تلاش دارند تا شکل خاصی از رقابت سیاسی و امنیتی برای کنترل منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهند. عربستان پس از شکست امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی شکل گرفته و از امپراتوری جدا شد. منابع نفتی عربستان به مثابه یکی از محورهای اصلی جداسازی این حوزه جغرافیایی از امپراتوری عثمانی بوده است.

انگاره سیاسی و ایدئولوژیک ایران و عربستان در بسیاری از دوران‌های تاریخی متفاوت و متمایز بوده است. در هر دوره تاریخی شکل خاصی از رقابت سیاسی و ایدئولوژیک فضای روابط ایران و عربستان را تحت تاثیر قرار داده است. عربستان در دوران محمد بن سلمان از سازوکارهای «کنش ترکیبی» برای مقابله با ایران بهره گرفته است.

مقام‌های عربستان به این موضوع واقف هستند که فرهنگ و انگاره‌های بنیادگرایانه آن کشور جایگاه چندانی در ساختار داخلی ایران ندارد. به همین دلیل است که از الگوی «کنش ترکیبی» بر اساس همکاری فرهنگی و هنجاری با کارگزاران رسانه‌ای انگلیس برای مقابله با ایران بهره می‌گیرند. رویکرد عربستان ماهیت ضد هنجار داشته که از طریق سازوکارهای «کنش ترکیبی» با انگلیس و شبکه‌های فارسی زبان خارج از کشور هدایت می‌شود.

روابط ایران و عربستان در بسیاری از دوران‌های تاریخی ماهیت غیر همکاری‌جویانه و رقابتی داشته است. عربستان در زمره کشورهایی محسوب می‌شود که به لحاظ ساختار سیاسی و راهبردی دارای همبستگی ژئوپلیتیکی با جهان غرب بوده و به همین دلیل است که سطح خاصی از تعارض امنیتی مبتنی بر «کنش هنجاری مشترک» در برابر ایران را در دستور کار قرار داده است. عربستان در دوران مختلف تاریخی تلاش داشته تا نشانه‌هایی از جدال رقابتی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاکتیکی را در ارتباط با ایران به کار گیرد.

جهت‌گیری رسانه‌ای عربستان ماهیت امنیتی داشته است. هدف عربستان آن است که از طریق رسانه‌های فراملی، شبکه خاصی از تضادهای هنجاری با ایران را در دستور کار قرار دهد. شبکه اینترنت‌نشان در همکاری با گروه‌های اپوزیسیون مقادیر قابل توجهی را تخصیص داده که این امر در

حوزه مشروعیت‌زدایی هنجاری و ساختاری در ارتباط با ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. راهبرد فرهنگی و هنجاری عربستان در ارتباط با ایران ماهیت امنیتی و غیرمستقیم داشته است. چین از راهبرد کنش عملگرایانه برای متوازن‌سازی روابط کشورهای منطقه‌ای بهره گرفته است. چین تلاش دارد تا راهبرد کنش متوازن برای اجتناب از درگیری‌های منطقه‌ای را به وجود آورد. در این روند، چین از دو رویکرد راهبردی برای کاهش تضادهای ایران و عربستان بهره گرفته و این امر تأثیر خود را بر سیاست و امنیت منطقه‌ای به‌جا می‌گذارد. توازن‌بخشی را می‌توان محور اصلی سیاست چین برای اجتناب از بحران‌های منطقه‌ای دانست (الوند، ۱۴۰۳: ۱۵۸).

چنین رویکردی به مفهوم آن است که عربستان برای حوزه‌های کنش سیاسی و رقابتی خود از دو الگوی متفاوت بهره می‌گیرد. الگوی اول آن است که از سازوکارهای ارتباطی، رسانه‌ای و هنجاری استفاده می‌کند. جهت‌گیری و الگوی دوم معطوف به انگاره‌های سیاسی و امنیتی بوده که خود را با رویکرد سرویس‌های امنیتی جهان غرب هماهنگ می‌سازد. در چنین شرایطی، عربستان تلاش دارد تا از طریق کنش متقابل همکاری‌جویانه و میانجیگری زمینه‌بازسازی روابط با ایران را در دستور کار قرار دهد. عربستان تفکر تنش‌زدایی را به عنوان محور اصلی سیاست امنیتی خود قرار داده و از این طریق تلاش می‌کند تا سطح روابط خود با ایران را در وضعیت تعادلی قرار دهد. کنش تعادلی با ایران از این جهت اهمیت دارد که زمینه کاهش هزینه‌های راهبردی برای توسعه اقتصادی و فناورانه را فراهم می‌سازد. عربستان تمایل چندانی به اتخاذ سازوکارهای پرشدت و امنیتی علیه ایران ندارد. محور اصلی سیاست عربستان را می‌توان انعکاسی از سازوکارهای کنش رقابتی در محیط اجتماعی ایران و عرصه رقابت‌های ژئوپلیتیکی دانست.

نتیجه‌گیری

عملیات روانی در موج سوم انقلاب فناورانه عموماً ماهیت مفهومی، هنجاری و رسانه‌ای دارد. هرگاه صحبت از قدرت نرم بازیگران به عمل می‌آید، نشانه‌هایی از کنش مفهومی در دستور کار قرار می‌گیرد. هرگونه کنش مفهومی نیازمند آن است که پشتوانه تاکتیکی و عملیاتی نیز داشته باشد. کاربرد هرگونه عملیات روانی بدون توجه به سازوکارهای قدرت سخت، اثربخشی چندانی نخواهد داشت.

عرصه‌های رسانه‌ای در شرایطی قادر به اثربخشی مفهومی و کارکردی خواهند بود که قالب‌های ذهنی، ادراکی و توانمندی‌های عمومی بازیگران بر وضعیت کنترل قرار گیرد. عربستان و ترکیه به عنوان دو بازیگر منطقه‌ای، عملیات روانی و رسانه‌ای خود را برای کاهش اقتدار و مشروعیت ساختاری نظام سیاسی ایران به کار گرفته‌اند. بخشی از این سازوکارها ماهیت فرهنگی، هنجاری و ارتباطی دارد. بخش دیگر آن را باید در ارتباط با مشروعیت ساختاری مورد توجه قرار داد.

ساختار سیاسی ترکیه نشانه‌های سکولاریسم را در بر داشته و به همین دلیل است که از سازوکارهای رسانه‌ای و ارتباطی غیرمستقیم بر روی تغییرات تدریجی در مقابله با شکل‌بندی‌های ساختاری و راهبردی ایران بهره می‌گیرد. کنش فرهنگی و رسانه‌ای ترکیه از سازوکارهای «اثربخشی مرحله‌ای و تدریجی» برخوردار است. جامعه ایرانی دارای رویکرد و نشانه‌های فرهنگی است. بر این اساس، از آمادگی لازم برای پذیرش قالب‌های هنجاری، رسانه‌ای و فرهنگی برخوردار است. میزان و فرایند اثربخشی رسانه‌های ترکیه از جمله «جم تی‌وی» عموماً ماهیت هنجاری دارد.

عربستان به عنوان بازیگر منطقه دیگری محسوب می‌شود که دارای ساختار ایدئولوژیک است. اگرچه در دوران «محمد بن سلمان» نشانه‌هایی از «عملگرایی فرهنگی و ارتباطی» در دستور کار قرار گرفته اما قالب‌های اندیشه دینی و ساختاری عربستان برای جامعه ایرانی جاذبه و مطلوبیت چندانی ندارد. هرگونه رویکرد ساختاری و هنجاری عربستان قادر خواهد بود تا چالش‌ها و پیامدهای خاص خود را برای جامعه و ساختار سیاسی ایرانی ایجاد کند.

براساس چنین انگاره‌ای است که سرویس‌های امنیتی عربستان از سازوکارهای کنش غیرمستقیم بهره گرفته و تلاش دارند تا آموزه‌های انتقادی و سیاسی را در دستور کار قرار دهند. میزان حقوق پرداختی نشریات و رسانه‌های عربستان محور برای اثربخشی در حوزه سیاست و فرهنگ سیاسی ایرانی در حدود دو برابر شبکه‌های انگلیسی از جمله «بی‌بی‌سی فارسی» و «صدای امریکا» بوده است. حمایت‌های اقتصادی برای گروه‌های اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور که عموماً منابع مالی محدودی دارند، به عنوان جاذبه موثری در کنش سازمانی بازیگران محسوب می‌شود.

نقش عناصر مادی در جذب گروه‌های اپوزیسیون به رسانه‌های بین‌المللی از این جهت اهمیت دارد که زمینه کنش ارتباطی نیروهایی را به وجود می‌آورد که از قابلیت لازم برای اثربخشی محیطی و رفتاری برخوردارند. رسانه‌های عربستان محور برای جذب گروه‌های ایرانی خارج از کشور از

جاذبه مادی بهره گرفته و تلاش دارند تا جهت‌گیری ضد ساختاری را توسط این گروه از افراد در فضای رسانه‌ای بازتولید نمایند.

در سال‌های ۱۳۹۶ به بعد بخش قابل توجهی از ایرانی‌های منتقد ساختار سیاسی ایران در خارج از کشور، جذب شبکه‌های تلویزیونی عربستان محور شده‌اند. منابع مالی عربستان برای جذب و هدایت گروه‌های اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور به اندازه‌ای بوده که زمینه مشارکت آنان برای رادیکالیزه کردن ادبیات کنش سیاسی علیه ساختار ایران را به وجود آورده است. بخش قابل توجهی از ادبیات انتقادی رادیکالیزه شده دوران بحران ۱۴۰۱ را می‌توان ناشی از جهت‌گیری سیاسی و انتقادی رسانه‌های عربستان‌محور دانست. ادبیات انتقادی در فضای رسانه‌ای بین‌المللی می‌تواند نشانه‌هایی از مشروعیت‌زدایی را به وجود آورد.



فهرست منابع

- الوند، مرضیه السادات (۱۴۰۳). سیاست چین در قبال ایران و عربستان، تداوم در موازنه و مصون‌سازی استراتژیک، مطالعات خاورمیانه، ۲۹ (۱۱۵)، ۱۶۹-۱۴۵.
- بصیری، محمدعلی و حسن‌زاده، سعید (۱۳۹۶). تبیین انگاره‌های هویتی بر واگرایی روابط ایران و عربستان، مطالعات خاورمیانه، ۲۲ (۸۷)، ۵۲-۳۱.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۹). تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه، راهبرد، ۱۶ (۵۵)، ۱۸۹-۲۰۴.
- روزنا، جیمز (۱۳۸۰). امنیت در جهان آشوب‌زده، مندرج در روزنا و دیگران، ارزیابی‌های انتقادی در زمینه امنیت بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- سلطانی، محمد (۱۳۸۲). عصر اطلاعات؛ بستر جنگی همه‌جانبه؛ پژوهش‌های ارتباطی، ۹ (۳۴)، ۱۷۰-۱۵۷.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). هویت؛ تقاضا برای کرامت، سیاست، رنج و تنفر، ترجمه لقمان کاظمی‌پور، تهران: نشر رامان سخن.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محروق، فاطمه و بایرام‌لو، بخش‌علی (۱۴۰۳). ابتکار امنیت جهانی و میانجی‌گری چین در روابط ایران و عربستان؛ الگوی مفهومی شبکه‌ای در تحریم پویایی‌های همپوش منطقه‌ای در خاورمیانه، مطالعات خاورمیانه، ۲۹ (۱۱۵)، ۷۷-۱۰۱.
- هالستی، کی.جی (۱۳۷۳). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: انتشارات دفتر مطالعات وزارت امور خارجه.
- هاللات، عماد و حکیم، حمید (۱۴۰۲). سیاست ترکیه در بحران اوکراین؛ موازنه و منافع حداکثری، سیاست خارجی، ۳۷ (۱۴۸)، ۱۵۷-۱۸۲.
- Alcock, Peter, (1993), "Understanding Poverty", Basingstoke: Macmillan.
- Alcock, Peter, (2003), "The subject of social policy", in P. Alcock, A Erskine and M. May (Eds), *The Student's Companion to Social Policy*, 2nd Ed, Oxford: Blackwell.
- Beeman, William, (1985), "Language, Status, and Power in Iran", New York: Harcourt Press.
- Dean, H. and Taylor, Peter, (1992), "Dependency Culture: The Explosion of a Myth", Hemel Hempstead: Harvester Wheat sheaf.
- Fukuyama, F. (2001), "Social Capital", Civil Society and Development, *Third World Quarterly*, Vol. 22.

- Lasswell, Harold D. (1936), *Politics: Who Gets What, When, How*, New York: Peter Smith.
- Rose- Ackerman, S (1996), "Altruism, Nonprofits and economic theory", *Journal of Economic Literature*, Vol. 34, No. 701.
- Schon, D. A (1973), "Beyond the Stable State: Public and Private Learning in a Changing Society", Harmondsworth: Penguin.
- Sen, Amartian, (1993), "*Capability and well-being, the quality of life*", Oxford: Clarendon Press.
- Wallenius, C. & Nilsson, S (2019), "A lack of effect studies and affects the use of strategic communication in the military domain", *international journal of strategic communication*, Vol.14, No. 1.
- Waltzman, R. (2017), "The militarization of information: The need for cognitive security", Santa Monica: RAND corporation.

